

اسطوره خانه‌نشینی و ماجرای آقا جلال و مستر رابرت!

سینماهای ایران تاییده شد صدای جلال مقامی بود که با دوبله‌اش به بازی او جان دیگری داده بود. جلال و رابرت از جوانی با هنر خود هم پای یکدیگر بودند. تا جایی که فیلم مستندی با نام آقا جلال و مستر رابرت، نیز به تهیه‌کنندگی و کارگردانی ابوالفضل توکلی به این موضوع می‌پردازد که سال ۱۳۹۵ ساخته شد.

اوبه عنوان دوبلور، گوینده، مدیر دوبلاژ و بازیگر بعد از انقلاب نیز با قدرت به کار خود ادامه داد و قبل از این که صدای سر صحنه در سینمای ایران باب شود، به جای سعید (راد(مرز)، فرامرز قریبیان (آوار)، مجید مظفری (تیغ و لریشم و کشتی آنجلیکا)، پرویز پرستویی (شکار)، اصغر همت (هزارستان)، و... صحبت کرده است. در دوبله مجموعه تلویزیون لبه تاریکی، به جای شخصیت رونالد ران کریون یکی از به‌یادماندنی‌ترین گویندگی‌های خود را به یادگار گذاشت. هم‌چنین در دهه هفتاد در مجموعه‌های تلویزیونی ارتش سری، پوارو، خانواده ابینسون، شهر مرزی، هشدار برای کبرا ۱۱، مزد ترس، پدرسالار، و... نیز حرف زده است. اما در میان تمام فعالیت‌های هنری و گویندگی به‌جای بازیگران و کاراکترهای متعدد در فیلم‌ها و سریال‌ها که از او در عرصه دوبله یک اسطوره ساخته است، اجرای برنامه دیدنی‌ها، به تهیه‌کنندگی غلامحسین میرزاده، در دهه ۶۰، حکایت دیگری دارد. برنامه‌ای که ۱۲ سال از شبکه دو تلویزیون بخش شد. و حسن خوبی که به مخاطب منتقل می‌کرد باعث شد مورد تا یک‌شنبه شب خیابان‌ها خلوت شود. اگر چه مقلمی همیشه با این حس زندگی که دکه‌ای کاش با دیدنی‌هایش لونی رفت. چرا که از آن برنامه به بعد مردم او را با نام آقای دیدنی‌ها می‌شناختند و سایه‌ای که به قول خودش همیشه روی سر و همراه او بود. اما همیشه سعی می‌کرد در آن برهه تاریخی که مردم تمام وقت از تلویزیون خبرهای جنگ، خرابی و کشتار می‌دیدند، برنامه دیدنی‌ها را با حال و هوای شادتری اجرا کند، حتی وقتی مدیر شبکه، چندبار به او گفته بود به‌جای لباس‌های رنگارنگ در این مقطع که در جنگ به سر می‌بریم، کت آمریکایی که سربازها به تن می‌کنند را بپوشد. او مخالفت می‌کند و می‌گوید: «اسم برنامه دیدنی‌هاست و باید جذابیت داشته باشد، اتفاقاً دیدنی‌ها برنامه و جایی است که باید همین لباس‌ها را بپوشیم».

همین ریزه‌کاری‌ها و توجه به مخاطب از نکات مثبتی بود که برنامه دیدنی‌ها را ماندگار کرد. و مردمی که در آن دوران هشت سال جنگ تحمیلی، با این برنامه عجیب شده بودند برای دیدن آن در روزهای یکشنبه، لحظه شماری می‌کردند. برنامه‌ای دیدنی که با چهره متین و صدای دلنشین جلال مقامی، مانند موسیقی مقامی، که جلوه‌های زیبایی از فرهنگ دیرینه ایران زمین را به رخ می‌کشید، هر بیننده‌ای را مسحور خود کرد و به یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی بدل شد. امروزه برنامه دیدنی‌ها را ای خیلی هاتوستاژی و جلال مقامی خاطرهای فراموش نشدنی شده است. این اسطوره که مدت‌ها خانه‌نشین و حدود ۸ ماه پیش همسرش رفعت هاشم‌پور، دوبلور پیشکسوت سینما و تلویزیون را نیز از دست داده بود، دوری او را بیش از این تاب نیاورد و پنج‌شنبه ۵ آبان ماه در سن ۸۱ سالگی بر اثر ایست قلبی به دیار باقی شتافت، روحش شاد.



امیر افشار فتوحی - جلال مقامی متولد دوم مرداد ماه ۱۳۲۰، دوبلور، گوینده، مدیر دوبلاژ و بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر، فعالیت هنری را از سنین نوجوانی با یکی از هم‌کلاسی‌هایش به نام مسعود اسداللهی که بعدها کارگردان شد و سریالی به نام «طلاق» را ساخت، شروع کرد. آن دو کارهای نمایشی مدرسه را به مناسبت‌های مختلف انجام می‌دادند. در یکی از مناسبت‌ها که تئاتری را برای اجرا آماده کرده بودند متوجه می‌شوند، ناظم مدرسه، حیدر صارمی، که به خالق نمایش‌های رادیویی جانی دالر، در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شهرت داشت و به عنوان بازیگر و دوبلور نیز فعالیت می‌کرد برای تماشای تئاتر آن‌ها دعوت کرده است. جلال، که سن ۱۷ سالگی را پشت سر می‌گذاشت به تشویق حیدر صارمی از سال ۱۳۳۷ وارد عرصه دوبلاژ شد. واستودیوی عصر طلایی، واقع در خیابان فیشرا باد (سپهبد قرنی فعلی) که اکنون جای آن ساختمانی ۲۰ طبقه ساخته شده، محلی است تا جلال مقامی اولین جمله‌اش را به عنوان دوبلور در فیلم «میس زیزی در آفریقا» ادا کند. فیلم متعلق به کمپلی آرتور لانگ بود و مقامی در آن فیلم، به جای جوانکی که راهنمای هتل را بازی می‌کرد، حرف زد و مورد تشویق کریمی مدیر دوبلاژ قرار گرفت که برای او شروعی در ورود به دنیای حرفه‌ای دوبلاژ شد.

آن زمان کار دوبله بیشتر توسط هنرپیشه‌های تئاتر انجام می‌شد و هوشنگ بهشتی که هنرپیشه تئاتر، سینما و مدیر دوبلاژ هم بود، جلال مقلمی را به استودیوی دیگری به نام «دی‌سی‌آی» در خیابان لاله‌زار دعوت می‌کند. طولی نمی‌کشد در یک فیلم به جای آلبر توستودی، که هنرپیشه نقش اول ایتالیایی بود، حرف می‌زند و بین مدیران دوبلاژ به یک دوبلور حرفه‌ای تبدیل می‌شود.

وی از سال ۱۳۴۴ با بازی در فیلم‌های سینمایی به آرزوی دیرینه اش در بازیگری رسید و در حرفه گفتار فیلم، مدیریت دوبلاژ را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد. مقلمی استاد خود در دوبله را هوشنگ لطیف‌پور معرفی می‌کند و در سال‌های طلایی دوبلاژ، در فیلم‌های دوبله شده به مدیریت علی کسمایی، محمدعلی زرنندی، عطاءالله کلملی، ایرج دوستدار، احمد رسول‌زاده، سعید شرافت و ابوالحسن تهلیمی، گویندگی می‌کند.

مقلمی در دوران فعالیت خود در عرصه دوبله به‌جای بسیاری از جوان‌های نقش اول سینما مانند رابرت رفورد، عمر شریف، وارن بیتی، ژان پل بلوندو، داستین هافمن، پاتریک مک‌گوهان، جان کلساوتیس، جورج ملهاریس، آل پاچینو، رابرت واگنر، ریچارد هریس، مل فرر، جان فینچ، جرج سیگال، جرج چاکریس، کلینت ایستوود، جان درک، مارتین بلسام، ریکی نلسون، آلن دلون، ادموند اوبرایان، اسپنسر تریسی، کلیف رابرتسون، اسکات رورنر، جیمز گارنر، جیمز کائینی، جیمز فرنسیسکس، مایکل کین، تونی کرتیس، آلبر توستودی، جرج همیلتون، تایرون پاور، سیدنی پوآتیه، استیو مک‌کوئین، گری کوپر، دانا اندروز، هامفری بوگارت، استیفن بوید، پیترو اولیو، ژان لویی تریتینیان، تری توملس، نویل جیسون، راجندرا کومار، جواد قللمقلمی، فرامرز قریبیان، مسعود اسداللهی دوست دوران دبیرستانش در سریال طلاق، و... حرف زده و در جان دادن به نقش آن‌ها سهم به‌سزایی دارد. وقتی فیلم‌های رابرت رفورد جوان بر پرده نقره‌ای



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

صدایی که جاودانه ماند

دوم مرداد ماه روزی است که اتفاقات قلیل توجهی را در خود ثبت کرده است. اما دوم مرداد ۱۳۲۰ درست در پیه‌وحه گرما، به دنیا آمدن جلال، یکی از اتفاقات میمون برای خانواده مقامی است. خانواده‌ای اصالتاً لعل شهر گل و گلاب، که یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان بنام سیلک با قدمتی بیش از هفت هزار سال را در خود دارد. شهر خانه‌های تاریخی و پایتخت فرش جهان.

در دوم مرداد ۱۳۲۲ که موسسه‌بینی از نخست وزیر ایتالیا بر کنار شده و از پای افتاده و زمین‌گیر می‌شود، جلال در خانواده‌ای گرم، صمیمی و بلصفا در خانه‌ای طرف‌های منیره، در سال روز تولد دوسالگی‌اش تلاش می‌کند روی پلهای خود بایستد. بعدها از خیابان منیره نقل مکان کردند و راهی خیابان لرزاده شدند. پدرش اهل مسجد بود و می‌خواست خانه‌ی نزدیک مسجد باشد. در خیابان لرزاده، مدرسه‌ای به نام ادیب نیشلیوری بود که جلال در آن جادرس می‌خواند. برای دوره دبیرستان، پدرشان او را در دبیرستان حافظ نزدیک بازار ثبت نام کرد. چون پدرش بازاری بود و می‌خواست مدرسه پسرش نزدیک محل کارش باشد تا ظهرها به مغازه او برود و با هم نهار بخورند. بعدها از خیابان لرزاده بالاتر رفتند و در خیابان سعادت‌آباد امروزی ساکن شدند. بعد از آن جاناتیز چند سالی در محله میر داماد زندگی کردند تا این که جلال آبارتمانی در مهرشهر کرج خرید و ساکن آن جا شد.

جلال با پشتکاری که از خود نشان می‌دهد، دیری نمی‌باید، قله‌های موفقیت را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و به یکی از اسطوره‌های دوبله ایران تبدیل می‌شود. خیلی از نقش‌های مطرحی که توسط بازیگران تراز اول دنیا و در فیلم‌های ماندگار به یاد داریم، با صدای گرم و دلنشین او جاودانه شدند.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir